

ارائه شده توسط

# لینگو لرن | Lingo Learn

برترین ارائه دهنده خدمات کمک آموزشی کانون زبان شامل: سوال و  
سامری، دیکشنری کانون، آموزش های رایگان و کاربردی و...

 LingoLearn\_official

 LingoLearn

{هرگونه کپی برداری بدون ذکر نام صاحب اثر شرعا و قانونا حرام و قابل پیگیری می باشد.}

## The Stress Interview

مصاحبه ی استرسی

A few weeks ago, Melissa Morrow had an unusual job interview. First, the interviewer asked why she couldn't work under pressure. Before she could answer, he asked if she had cleaned out her car recently. Then he wanted to know who had written her application letter for her. Melissa was shocked, but handled herself well. She asked the interviewer whether he was going to ask her serious questions. Then she politely ended the interview.

چند هفته پیش، ملیسا مورو مصاحبه ی شغلی غیرطبیعی ای داشت. اول، مصاحبه گر پرسید چرا او نمیتوانست تحت فشار کار کند. قبل از اینکه او بتواند جواب بدهد، مصاحبه گر پرسید که او اخیرا ماشینش را تمیز کرده است. سپس او میخواست بداند چه کسی درخواست نامه اش را برایش نوشته. ملیسا متعجب شده بود اما به خوبی خودش را کنترل کرد. او از مصاحبه گر پرسید که آیا او قرار است از او سوالات جدی بپرسد. سپس مؤدبانه مصاحبه را تمام کرد.

Melissa had had a stress interview, a type of job interview that features **tough**, tricky questions, long silences, and negative evaluations of the candidate. To the candidate, this strategy may seem like unnecessary **nastiness** on the part of the interviewer.

ملیسا یک مصاحبه‌ی استرسی داشت، نمونه‌ای از مصاحبه‌ی شغلی که سوالات سخت و مکارانه\*، سکوت‌های طولانی، و ارزیابی‌های منفی از کاندیدا را شامل می‌شود. برای کاندیدا، این استراتژی ممکن است شبیه به اذیتی غیر ضروری از طرف مصاحبه‌گر به نظر برسد.

However, some positions require an ability to handle just this kind of pressure if there is an accident in a nuclear power plant, for example, the plant's public relations officer must remain **poised** when unfriendly reporters ask how the accident could have occurred.

با اینحال، بعضی موقعیت‌ها نیازمند توانایی کنترل این نمونه از فشار هستند برای مثال اگر حادثه‌ای در نیروگاه هسته‌ای رخ دهد، مامور روابط عمومی نیروگاه، باید هنگامی که خبرنگاران غیردوستانه می‌پرسند چگونه این حادثه می‌توانست اتفاق بیفتد، متعادل بماند.

The hostile atmosphere of a stress interview gives the employer a chance to watch a candidate react to pressure. In one case, the interviewer ended each interview by telling the candidate, "we're really not sure that you're the right person for this job." One very promising candidate asked the interviewer angrily if he was sure he knew how to **conduct** an interview. She clearly could not handle the pressure she would encounter as a television news **anchor**-the job he was interviewing for.

اتمسفر خصومت آمیز یک مصاحبه‌ی استرسی به کارفرما شانس این را می‌دهد که واکنش کاندیدا در فشار را ببیند. در یک مورد، مصاحبه‌گر هر مصاحبه‌را با گفتن " ما واقعا مطمئن نیستیم که شما برای این کار فرد درستی باشید " به کاندیدا تمام می‌کرد. یک کاندیدای بسیار متعهد با عصبانیت از

مصاحبه گر پرسید که آیا او مطمئن است که میدانند چگونه یک مصاحبه را هدایت کند. او به وضوح نمیتوانست فشاری که به عنوان یک گوینده خبر تلویزیون، شغلی که داشت برایش مصاحبه میشد، با آن مواجه میشد را کنترل کند.

Stress questioning is not appropriate for all jobs. It may make sense while interviewing a news **anchor**, but it is unnecessary for less pressured jobs such as accountants, **administrative** assistants, and computer programmers.

سوال کردن های استرسی مناسب همه ی شغل ها نیستند. ممکن است وقت مصاحبه برای یک گوینده خبر عقلانی به نظر برسد اما برای شغل های کم فشار تر مثل حسابداران، دستیاران اداری، و برنامه نویسان کامپیوتر غیر ضروری است.

Even when appropriate, the stress interview can work against a company because some good candidates will refuse the job after a **hostile** interview. Melissa Morrow handled her interview beautifully, but later asked herself if she really wanted to work for that company. Her answer was no.

حتی وقتی مناسب است، مصاحبه ی استرسی ممکن است برضد شرکت کار کند چون بعضی کاندیدا های خوب پس از یک مصاحبه ی خصومت آمیز از آن کار انصراف خواهند داد. ملیسا مورو به زیبایی از پس مصاحبه اش برآمد اما بعدا از خود پرسید که آیا واقعا میخواهد برای آن شرکت کار کند. جوابش نه بود.

A word of warning to job candidates: Not all **tough** questioning constitutes a **legitimate** stress interview. In some countries like the United States, some questions are **illegal** unless the answers are directly related to the job. If your interviewer asks how old you are, whether you are married, or how much money you owe, you can refuse to answer.

کلمه ای اخطار به کاندیدا های شغلی: همه ی سوال پرسیدن های دشوار یک مصاحبه ی استرسی مشروع در نظر گرفته نمی شوند. در بعضی کشور ها مثل ایالات متحده، بعضی سوالات غیر قانونی هستند مگر اینکه سوالات مستقیما به آن شغل مربوط باشند. اگر مصاحبه کننده ی شما می پرسد چند سال دارید، آیا متاهل اید، یا چقدر پول بدهکارید، میتوانید از پاسخ دادن امتناع کنید.

If you think a question is improper, you should ask the interviewer how the answer specifically relates to that job. If you don't get a satisfactory explanation, you don't have to answer the question.

اگر فکر میکنید یک سوال نامناسب است، باید از مصاحبه کننده پرسید این سوال دقیقا چگونه به آن شغل مربوط میشود. اگر توضیح رضایت بخشی دریافت نکردید، مجبور نیستید به آن سوال جواب دهید.

When an interviewer introduces pressure to create a reaction, it's easy to lose your cool. Remember that all interviews create stress. If you expect it and learn to control your responses, you can stay **poised** even in a stress interview.

هنگامی که یک مصاحبه گر فشار نشان میدهد تا واکنش ببیند، عصبی شدن آسان است. به یاد

بیاورید که همه ی مصاحبه ها استرس ایجاد میکنند. اگر شما انتظار آن را داشته باشید و یاد بگیرید پاسخ هایتان را کنترل کنید، شما میتوانید حتی در یک مصاحبه ی استرسی متعادل بمانید.

## DID YOU KNOW...

آیا میدانستید...

In some countries, employers must hire only on the basis of skills and experience. In the United States, for example, an interviewer cannot ask an applicant certain questions unless the information is related to the job. The following are some of the questions an interviewer may not ask:

در بعضی کشورها کارفرمایان باید فقط بر اساس مهارت ها و تجربه ها استخدام کنند. برای مثال در ایالات متحده، یک مصاحبه کننده نمیتواند از متقاضی سوالات خاصی پرسد مگر اینکه آن اطلاعات به آن شغل مربوط باشند. در ادامه بعضی سوالاتی که یک مصاحبه گر نباید پرسد آمده است:

How old are you?

چند سال دارید؟

What is your religion?

دین شما چیست؟

Are you married?

آیا متاهل اید؟

What does your husband (or wife) do?

شوهر (یا زن) شما چه کار میکند؟

Have you ever been **arrested**?

آیا تا کنون بازداشت شده اید؟

How many children do you have?

چند فرزند دارید؟

How tall are you?

قد شما چقدر است؟

What country were you born in?

در چه کشوری متولد شدید؟

New word: English explanation / معنی فارسی

Administrative: of or pertaining to administration or management / اداری، اجرایی

Anchor: in broadcasting, the main announcer on a news program / گوینده (رادیو)

Arrest: to seize and detain (someone) by legal process / بازداشت کردن، توقیف کردن

Conduct: to manage and direct / اداره کردن، هدایت کردن

Hostile: feeling or showing dislike, ill will, or antagonism / دشمنی، خصومت

Illegal: contrary to law, rules, or the like; unlawful / غیرقانونی، نامشروع

Legitimate: in accordance with the law or rules (used especially when the breaking of laws or rules is suspected). / حلال زاده، درست، مشروع

Poise: to be in a balanced state / وقار، تعادل



Poised: if you are poised, you are calm and dignified. / متوازن، متعادل

Nasty: morally or socially objectionable; obscene, ill-tempered, or malicious or causing discomfort, difficulties / خیلی بد، زننده، اذیت کننده

Tough: aggressive; rough; incorrigible / سخت، دشوار

New word	Synonym	Antonym
Administrative	executive, managerial, supervisory	
Anchor	announcer, reporter, anchorman, anchorperson, anchorwoman	
Arrest	apprehend, bust, collar, capture, catch, detain, hold, imprison	
Conduct	Manage, lead	
Hostile	Unfriendly, warlike	benign, friendly, genial, warm, peaceful
Illegal	illegitimate, illicit, outlawed, proscribed, unlawful	lawful, legal, legitimate, licit
Legitimate	lawful, legal, licit	illegal, illegitimate, illicit
Nasty	indecent, obscene, awful, bad	charming, decent, nice
Poise	balance, equilibrate, even, stabilize	
Poised	stable; hovering	
Tough	aggressive, incorrigible, rough, brutal, hardened, mean, vicious	